

# دیکتاتورهای مدرن

باری رابین

مترجم: مهدی کلانترزاده

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

|                     |                                                         |
|---------------------|---------------------------------------------------------|
| سرشناسه:            | روبین، باری Robin, Barry M                              |
| عنوان و پدید آور:   | دیکتاتورهای مدرن باری رابین؛ مترجم مهدی کلانترزاده.     |
| مشخصات نشر:         | تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۹                    |
| مشخصات ظاهری:       | شابک: 8 - 041 - 194 - 964 - 978 ISBN                    |
| فهرست نویسی:        | فیا                                                     |
| یادداشت:            | عنوان اصلی: Modern dictators: Third World coup....c1987 |
| موضوع:              | دیکتاتورها- کشورهای در حال رشد                          |
| موضوع:              | حکومت تطبیقی                                            |
| شناسنامه افزوده:    | کلانترزاده مهدی ۱۳۵۶- مترجم                             |
| رده بندی کنگره:     | JC۴۹۵/۹۰۹۱۳۸۸                                           |
| رده بندی دیویی:     | ۳۲۱/۹                                                   |
| شماره کتابخانه ملی: | ۱۹۰۱۹۲۵                                                 |

**دیکتاتورهای مدرن**

- نویسنده: باری رابین
- ترجمه: مهدی کلانترزاده
- نوبت چاپ و تاریخ: اول - ۱۳۸۹
- تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
- لیبرگرافی: دنیای تجسم و تصویر - تلفن: ۸۸۸۴۶۸۹۱
- چاپ و صحافی: ایماژ
- قیمت: ۳۵۰۰ تومان

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان: تلفاکس: ۸۸۷۱۶۳۹۱ - ۸۸۷۲۲۶۶۵ - ۸۸۷۲۴۹۳۶  
 تهران: صندوق پستی: ۵۸۱۷ - ۱۵۸۷۵ E\_mail: Roshangaran. publishing@yahoo.com  
 Shahla\_a\_lahiji@hotmail.com

- فروش از طریق شبکه پستی تلفن: ۸۸۷۱۶۳۹۱
- مراکز پخش: ۱- ققنوس: انقلاب، خ اردبیهشت، کک مین، پ ۲۳۳ تلفن: ۴۴۳ الی ۶۶۴۰۸۶۴۰
- ۲- گزیده: انقلاب، خ فخر رازی، پلاک ۳۳، تلفن: ۹۸۷۰۰۹۸۷
- ۳- نشر دامون: خ لبافی نژاد، بعد از ابوریحان، پ ۱۱۲، ۶۶۹۵۴۰۷۳ - ۶۶۹۷۰۱۳۶

شابک ۸ - ۰۴۱ - ۹۶۴ - ۱۹۴ - 978 ISBN

## فهرست

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۷   | مقدمه مترجم               |
| ۱۷  | مقدمه نویسنده             |
| ۲۱  | بحران‌ها و پارادوکس بحران |
| ۴۱  | دیکتاتورهای پوپولیست      |
| ۸۷  | نظام‌های توتالیتر اروپا   |
| ۱۲۱ | برآمدن دیکتاتورهای مدرن   |

## مقدمه مترجم

یک صد سال پیش از شکل‌گیری شوروی کمونیستی و صف‌آرایی بلوک شرق و غرب در برابر یکدیگر، توکویل جامعه‌شناس فرانسوی آینده‌ی سیاسی جهان را این‌گونه پیش‌بینی کرده بود: «امروز در کره ارض دو قوم بزرگ زندگی می‌کنند که از نقاط متفاوتی آمده‌اند، این‌ها روس‌ها و آمریکایی‌ها هستند، این هر دو قوم، در تاریکی و گمنامی رشد هستند... آمریکایی‌ها برای نیل به اهداف خود دنبال تأمین نفع شخصی‌اند و اعتقاد دارند که نیرو و خرد آدم‌ها باید آزادانه عمل کنند. ولی برعکس، روس‌ها تمام اقتدار جامعه را در دست یک نفر جمع می‌کنند. یعنی ابزار اصلی برای آمریکایی‌ها آزادی است و برای روس‌ها بردگی و بندگی. مبداء حرکت آن‌ها متفاوت است. راه‌های آن‌ها مختلف است. و با این وصف به نظر می‌رسد که حکمت بالغه‌ی الهی به این تعلق گرفته است که یک روزی هر یک از این دو ملت سرنوشت نصف جهان را در دست بگیرند<sup>۱</sup>».

---

۱- توکویل، نویسنده: ژاک کتن هوتر، ترجمه: بزرگ نادرزاد، نشر مرکز.

اندیشیدن، تجزیه و تحلیل و کاوش رویدادهای اجتماعی و سیاسی در قالب علم سیاست و جامعه‌شناسی به انسان این آگاهی را می‌دهد تا آنچه را که بر او گذشته است نه تنها تابع رویدادهای تصادفی و تقدیر محتم نداند که آدمی رد و نشان اندیشه و تفکر خود را در آنچه بر او گذشته، به وضوح ببیند. فراتر از بررسی رویدادهای رخ داده، آنچه که در اندیشه‌ی توکویل نمود و تجلی می‌یابد، مبنا قرار دادن سیر تحولات سیاسی بر اساس ویژگی‌های روانی و ذهنی انسان برای پیش‌بینی تحولات آینده است. نکته اساسی در این پیش‌بینی این است که بیش از آن‌که مشتمل بر ساختارشناسی روابط قدرت سیاسی در سطح جهان و شیوه‌ی حکومت‌داری و حتی رابطه‌ی میان مردم و نظام سیاسی باشد، بر پایه‌ی ویژگی‌های روان‌شناسی و خلیقات پایه‌ای مردمان این دو کشور که توکویل خود آن را «خصلت ملی» می‌نامد، بنا شده است.

خصلت ملی را می‌توان از یک سوی برخاسته از ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌ای که از طریق سنت و در قالب ارزش‌ها و باورها به یک جامعه منتقل می‌شود (و بر اساس کنش‌های کنونی فرد، جامعه و حکومت قوام می‌یابد) و از سوی دیگر مجموعه‌ای از ویژگی‌های روانی انسان‌های جامعه دانست. روان انسان که پایه‌ای‌ترین عنصر شکل‌دهنده‌ی هر اجتماعی است، و برآیند روان‌های انسانی که همان خصلت ملی را شکل می‌دهد، جهت‌دهنده‌ی تحولات سیاسی در سطح ملی و جهانی است، زیرا در هر جامعه‌ای ساختار سیاسی نظام حاکم و شکل حکومت مستقیماً متأثر از نخست ساختار اجتماعی، نیروها و طبقات اجتماعی و شیوه روابط آن‌ها و دوم زیربنای اقتصادی، اصناف و شیوه‌های غالب تولید شکل می‌گیرد و از سوی دیگر ساختار اجتماعی و اقتصادی نیز

خود تحت تأثیر عوامل بسیاری است که از آن جمله می‌توان به سیر تجربه و پیشینه‌ی جامعه، شرایط اقلیمی، منطقه‌ای و جهانی و از همه مهم‌تر نهاد انسان و روان فرد فرد اعضای جامعه اشاره کرد. پس انسان و روان او ریشه و خاستگاه تمامی کنش‌های سیاسی و اجتماعی است.<sup>۱</sup>

ولی نکته اساسی این‌جا است که روان انسان خود به چه عواملی بستگی دارد و چگونه می‌توان تحولات جامعه‌ی انسانی را بر اساس اصلاح روان و بینش او به سویی هدایت کرد که در نهایت نظام‌های اجتماعی و سیاسی برخاسته از اندیشه‌ی او بیشترین حد ممکن شادمانی و سعادت را برای او فراهم کنند و یا دست‌کم آن نظام سیاسی که براساس اندیشه‌ی انسان‌های جامعه شکل می‌گیرد تبدیل به آن دوزخی نشود که روان و اندیشه و امید را در کام خویش بسوزاند.

براساس یکی از نظریه‌های برجسته‌ی روان‌شناسی معاصر، بسیاری از ویژگی‌های اساسی و کلیدی روان و شخصیت انسان در سال‌های اولیه‌ی کودکی او شکل می‌گیرند؛ «اعتماد و یا عدم اعتماد»، «ترس و شهامت»، «سرچشمه‌ی احساس گناه» و «دودلی و قاطعیت» از جمله ویژگی‌های روانی‌اند که ریشه در نخستین آموزه‌های نوزادی و کودکی

۱- در جمع‌بندی کلی برای بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری ساختار سیاسی، سه مؤلفه کلی را می‌توان برجسته کرد: ۱- اندیشه سیاسی ۲- ساختار اقتصادی ۳- ساختار فرهنگی، اجتماعی و روانی. هر اندیشه سیاسی می‌تواند در محدوده‌ی مشخصی از ساختار اقتصادی غنیت یابد، یا به بیان دیگر، ساختار اقتصادی ظرفیت شکل‌گیری و ریشه دواندن اندیشه‌ی سیاسی در جامعه است و محدوده‌ی عمل‌گرایی اندیشه سیاسی را مشخص می‌کند. پس از تعیین محدوده‌ی غنیت‌یابی اندیشه‌ی سیاسی براساس ساخت تولید و یا اقتصادی، جهت‌گیری اندیشه‌ی سیاسی براساس مؤلفه‌ی سوم ساختار روانی، اجتماعی و فرهنگی مشخص می‌گردد.

انسان دارند<sup>۱</sup>. توکویل نیز باور داشت که «کل شخصیت آدمی زاد در قنடاق و گهواره‌ی او رقم می‌خورد»<sup>۲</sup>. پس شاید بتوان ریشه و عامل اصلی اصلاح جامعه را تغییر دیدگاه و روان انسان دانست و آغاز تربیت نسلی متفاوت را - نسلی که پیش‌زمینه‌های آموزه‌های مدنی و آزادمنشی را در نخستین تجارب کودکی خویش اندوخته باشد - آغاز تغییرات در سطح سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت. در غیر این صورت هرگونه تغییری در سطوح بالاتر اجتماع فرایند پایداری نخواهد بود و دیر یا زود ساختار پیشین مجدداً خویش را احیا خواهد کرد. بارزترین نمونه‌ی تاریخی برای برجسته ساختن این موضوع، تجارب کشورهای بلوک شرق مانند شوروی و جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته است؛ فروپاشی نظام دیکتاتوری کمونیست تنها روبنای قدرت سیاسی و اقتصادی را تغییر داد در حالی که ساختار قهرمان‌خواهی و فرهنگ مستبدپرور هم‌چنان در کنه جامعه به بقای خود ادامه داد. همان‌گونه که توکویل این چرخه‌ی سردرگم دیکتاتورزایی را در آیینی اندیشه‌ی انسان‌های این جوامع می‌دید، سیر تاریخ نیز تفوق این امر را بر ساختار سیاسی حکومت ثابت کرد؛ حکومت موروثی تزاری، شوروی کمونیستی و جمهوری روسیه در چهارچوب تفاوت‌های زمانی نقش نسبتاً ثابتی را در بازداری از تحقق آزادی و کرامت انسانی و حمایت از دیکتاتورهای داخلی، منطقه‌ای و حتی در سطح جهان ایفا کرده و می‌کند.

اگرچه ساختار سیاسی شوروی کمونیستی تفاوت بارزی با حکومت تزاری داشت ولی آنچه که هم‌چنان ثابت باقی ماند و تحول نیافت، روان

و اندیشه‌ی استبدادزده‌ی جامعه‌ی روسیه بود. همان روان و اندیشه‌ای که در قرن بیست و یکم نیز همان جایگاه قرن بیستم و نوزدهم را برای روسیه در عرصه‌های بین‌المللی رقم زده است. حمایت شوروی کمونیستی از دیکتاتورهای پوپولیست جهان سوم در خاورمیانه، کشورهای عربی، آمریکای لاتین و آفریقا تأثیر عمیقی در به تعویق انداختن فرایند گذار به دموکراسی در سطح جهانی داشته است. در این راستا حمایت شوروی کمونیستی در بازه زمانی دهه‌ی ۶۰ تا ۸۰ میلادی (قرن بیستم) از دیکتاتورهای جهان سوم که نویسنده‌ی این کتاب آن‌ها را به دلیل برخورداری از ویژگی‌های کاملاً متفاوت با اسلاف خود «دیکتاتورهای مدرن» می‌نامد، در شناسایی رویدادهای سیاسی در سطح جهان بسیار حایز اهمیت است.

مشابه آنچه در شوروی اتفاق افتاد، روند استبدادپروری را در بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز می‌توان مشاهده کرد؛ سیل انقلابات و برجیده شدن نظام‌های دیکتاتوری سابق به شکل‌گیری حکومت مردمی و از آن مهم‌تر جامعه‌ی آزادی‌خواه منجر نگردید. صرف وجود احزاب، مجلس قانون‌گذاری، و مشارکت در انتخابات نشان عدم دیکتاتوری و یا وجود دموکراسی نیست. دموکراسی مشارکت پیوسته‌ی انسان است و پیش‌زمینه‌ی این مشارکت، خواست به مشارکت و تعیین سرنوشت خویش به دست خویش است. از این‌روست که دموکراسی را فراقتر از آن‌که یک شیوه‌ی سیاسی حکومت بشمارند، یک شیوه‌ی زندگی می‌دانند که ریشه در منش، اندیشه و روان انسان دارد.

قرن نوزدهم نخستین موج آشنایی کشورهای جهان سوم شامل کشورهای آسیایی، خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و جنوبی را با

تحولات و نوآوری‌های تکنولوژیک دنیای غرب به همراه داشت؛ استعمار آنچه را که دانش نوین در دنیای غرب بنا کرده بود در قالب سلطه و تسخیر به مردمان این کشورها نمایان ساخت. در پی ورود ابزار تکنولوژی نوین بود که به تدریج اندیشه‌ی تطابق ساختارهای اجتماعی و سیاسی با جهان غرب در ذهن انسان جهان سوم شکل گرفت. حاکمیت ملی، قانون اساسی، پارلمان و شکل‌هایی از انتخابات، نخستین رویکرد به سوی دست‌آوردهای نوین بود و ساختارهای کهن سیاسی که در شکل غالب حکومت موروثی سلطنت و پادشاهی تجلی می‌یافت، رو به فروپاشی نهاد. در نیمه‌ی نخست قرن بیستم روندگرایش به نوسازی ساختارهای اجتماعی و سیاسی شتاب بیشتری گرفت و آنچه را که اندیشمندان سیاسی در چشم‌انداز افق این جوامع می‌دیدند، طی کردن همان راهی بود که جوامع غربی پیش از این آغاز کرده بودند؛ پیشرفت علمی و صنعتی در نهایت به نوسازی سیاسی منجر خواهد شد. ولی آن رویداد تاریخ‌ساز که در زیر پوست شکننده‌ی این نوسازی و یا مدرنیزاسیون در حال شکل‌گیری بود، زایش انسانی بود که نیمه‌ی سنتی و واپس‌گرا و نیمه‌ی مدرن و امروزی بود. «انسان مدرن» جهان سوم از شخصیتی برخوردار شد که یکی از بهترین توصیفات برای آن «شخصیت مونتاژ» است. «در واقع صنعت مونتاژ وارد کردن تکنولوژی نو به جامعه‌ای سنتی است. به همین دلیل ورود اندیشه‌های مدرن هم به چنین کشورهایی شخصیتی می‌سازد که آن را شخصیت مونتاژ می‌نامیم. یعنی ورود افکار نو به کالبد شخصیتی اقتدارگرا و سنتی و نیمه سنتی<sup>۱</sup>». روند

۱- «استبداد و اقتدارگرایی» دکتر مسعود تهرانی، نشر همراه. (ص ۳۷)

سریع غرب‌گرایی و صنعتی‌سازی جامعه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، انسان جهان سومی را با موجی از سردرگمی‌ها و تشویش‌ها مواجه ساخت که می‌توان به اختصار آن را «بحران هویت» نامید.

پس از بسیر و رانندگی استعمارگران و سیاست‌تغییر حکومت‌های دست‌نشانده، روند نو سازی که از سوی حاکمانی که عموماً شیفته‌ی صنعتی‌سازی و اقتباس از مظاهر فرهنگ غرب بودند، دنبال می‌شد با بحرانی اساسی روبه‌رو شد. صنعتی شدن سیل مهاجرینی را به شهرها کشاند که نمادهای محیط به سرعت در حال تغییر و غربی شده، آرامش روان او را هدف قرار می‌داد و بحران هویت او را تشدید می‌کرد. ناکارایی نهادهای اجتماعی و سیاسی وارداتی از غرب، همانند مجلس قانون‌گذاری و سازمان‌های اداری نیز که رونمایی نوین و بنیادی سنتی داشتند (چون از سوی اندیشه انسان سنتی راهبری می‌شدند) در کنار این موج بحران هویت دلیل اصلی رویگردانی انسان جهان سومی از این مدرنیزاسیون شد. انسان جهان سومی - سردرگم میان موج واردات اندیشه و مبانی نوین که عموماً در تضاد با فرهنگ سنتی او بود - پاسخی جدید برای شرایط خود می‌جست. پاسخ آرامش‌بخش به این روان سرخورده، بازگشت به اندیشه‌ی بومی بود که از سوی رهبران کاریزماتیک ارایه می‌شد. بار دیگر روان انسان و اندیشه‌ی او تأثیر بنیادین خود را نمایان ساخت؛ ناسیونالیسم، فاشیسم، کمونیسم و... ارکان اساسی ایدئولوژی‌های آرامش‌بخشی بود که از سوی دیکتاتورهای نوین ارایه می‌شد و سیل توده‌ها را با خود همراه می‌کرد. «به هر حال سنت‌گرایی چه از نوع مذهبی و چه از نوع غیر مذهبی جنبشی است که در واکنش به جهان مدرن و تجدد ظاهر می‌شود و در پی محافظت از نهادها و اندیشه‌هایی

برمی آید که در جهان مدرن در معرض خطر و تهدید قرار می گیرند... احساس عدم امنیت، حقارت و ترس در دنیای مدرن به نوبه خود میلی نیرومند به جستجوی قدرت در فرد ایجاد می کند. تنها قدرت است که به انسان ناامن امنیت می بخشد. قدرت بهترین درمان درد ناامنی و سرگستگی است.<sup>۱</sup>

«ایدئولوژی شعاری» و «رهبر کاریزماتیک» دو رکن اساسی تحولاتی بود که در پی انقلابات و کودتاهای بسیار در جهان سوم زمام قدرت را به دست دیکتاتورهای نوین داد. ویژگی های دیکتاتوری مدرن و رابطه ی عموماً نزدیک فکری و اجرایی آن ها با حکومت شوروی و هم نوایی روس ها با جنبش های توده ای و ضد دموکراتیک از سوی نویسنده در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

نگاهی به چگونگی میزان دست یابی به دموکراسی در سطح جهان نشان می دهد که در شرق دور، ژاپن و کره جنوبی اگرچه به دموکراسی نسبی دست یافته اند ولی ساختار فرمایشی و عدم نهادینه شدن فرهنگ دموکراسی (از جمله عدم تثبیت حقوق فردی و زنان) گذار کامل به مردم سالاری رانساقص نگذاشته است. چین و شوروی ساختار غیر دموکراتیک و دیکتاتور سالار را تثبیت کرده اند؛ در چین این ساختار بر بروکراسی نظام سیاسی متکی است و در شوروی بر پایه ی رهبر کاریزماتیک در لوای دموکراسی نمایشی انتخاباتی. جهان عرب، پاکستان و بخشی از کشورهای آفریقایی دیکتاتوری سنتی خود را براساس قهرمان محوری، فرهنگ دینی و سنت قومی احیا کرده اند. در آفریقا نزاع های

۱- «دیپاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران» دکتر حسین بشیریه، نشر نگاه معاصر (ص ۱۱۸ و ۱۲۵)

قومی در بخش عظیمی از این قاره و جنبش‌های اسلام‌گرای مورد حمایت مادی شوروی و چین در شمال و شرق آن، تصویر ناپه‌هنجاری از آینده به تصویر می‌کشد. جوامع آمریکای لاتین نیز هم‌چنان در دایره‌ی بسته‌ی استبداد - ناامنی - استبداد مجالی برای پویش جنبش‌های مدنی نمی‌یابند. در کنار تمامی این تحولات، حمایت سازماندهی شده و ساختاری حکومت‌های غیردموکراتیک از هم‌تایان و یا گروه‌هایی که تهدیدی برای مردم سالاری محسوب می‌شوند، بیش از همیشه ساختاری نامتقارن و درهم تنیده پیدا کرده است. اگر قدرت‌های منطقه‌ای برای رهایی از چالش‌های آزادی خواهانه و جبران کمبود قدرت در درون مرزهای خود به اعمال قدرت فرامرزی از طریق حمایت از گروه‌های هم‌راستای خود در سایر مناطق و کشورها اقدام می‌کنند، در مقابل، آن‌چه که می‌تواند در برابر این حکومت‌ها مانعی ایجاد کند، پیوند فرهنگی و سیاسی جنبش‌های مدنی آزادی خواهانه‌ی این جوامع با هم‌تایان خود در سطح منطقه است. اکنون زمانی است که «جامعه مدنی جهانی» متشکل از جنبش‌ها، سازمان‌ها، اقلیت‌ها، و نهادهای مدنی پراکنده در مناطق و کشورهای مختلف، می‌تواند در صف‌آرایی در برابر «زنجیره‌ی هم‌پوشانی اقتدار طلب‌ها» که از جنبش‌های ضد مردمی در کشور خود و کشورهای دیگر حمایت می‌کنند، به دلایل زیر متحد شود:

۱. نزدیکی بیش از پیش گفتمان‌های آزادی خواهانه در سطح جهان؛ به دلیل طی شدن بیش از یک قرن از تجربه‌ی بومی سازی مدرنیته و صیقل خوردن این اندیشه براساس ویژگی‌های منطقه‌ای و محلی و آمادگی مردمان مختلف برای پذیرش گوناگونی‌هایی که همگی بر حفظ حقوق اساسی و آزادی‌های ریشه‌ای اتفاق نظر دارند.

۲. کمرنگ شدن سوء برداشت‌های تاریخی، قومی، نژادی.

۳. تفوق هویت جهانی بر هویت‌های ملی.

۴. و سرانجام دسترسی به ابزارهای تکنولوژیک که این نزدیکی را فراهم می‌سازد.

به راستی اگر این هم‌بستگی مدنی در سطح جهانی نتواند راه را بر حکومت‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌های ضد مردمی ببندد، آیندگان نیز به ناچار مجبور خواهند بود این گفتار کوفی آنان را زمزمه کنند که «کسری هم‌بستگی انسانی» با «کسری دموکراسی» مناطق گوناگونی از جهان را به بی‌ثباتی کشانده است.<sup>۱</sup>

---

۱- «فراخوان به نظم نوین انسانی» کوفی آنان، امیرحسین بن طلال، ترجمه ماهر آموزگار، نشر مرکز، (ص ۴۴)